

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۳۸

۲۰۱۱ م ۱۶

همه وارونه می گفتند و خاک به چشم ما می زدند

تصادفاً هفت و هشت ثور چقدر خوب کنار هم قرار گرفته اند. چون هرچه سیاهی و پلشتی است در همین دو روز بر تاریخ ما ریخته انباشت شده اند. امسال هم این دو روز دلمشغولی های زیادی در رسانه ها داشت و مصروفیت برای همه ایجاد شده بود. صحبت ها طوری بود که برخی ها هفت ثور را به عنوان کودتای سیاه که آغاز همه بدبختی ها بود، رد می کردند و بعضی شرمنده شرمنده از آن دفاع می نمودند. اما هشت ثوری ها بیشتر شاخ و شانه می کشیدند و بعضی با حزم و احتیاط آن را روز سیاه می گفتند.

دریکی از این میز گرد ها، فردی کف بر دهان از تنظیم های جهادی دفاع می کرد و آنها را نیروی «مستقل» و «آزاد» می خواند، اما افراد مقابل، از عدم استقلال و آزاد نبودن آنها چیزی بر زبان نیاورده، سکوت کردند. در حالیکه حداقل واکنش نشان ندادن در چنین مواردی و سکوت کردن، جز پذیرش ادعا های مقابل چیزی بوده نمی تواند. اما در آن روز این سؤال هر جا زمزمه می شد که آیا واقعاً تنظیم های جهادی آزاد و مستقل بودند؟

کودتای هفت ثور توسط حزبی که در وابستگی عریان به کرملین قرار داشت، صورت گرفت. در روز کودتا افراد نظامی و غیر نظامی بسیاری جانهای شان را از دست دادند و یا دستگیر شدند. بعد از آن فاشیسمی بر اوضاع مستولی گشت که کسی حق لب جنباندن را نداشت، زندانیان بسیاری بی هیچ پرسان و محکمه ای اسیرگونه به قتل رسیدند. مردم با این وضعیت در زندگی دوزخ آسانی قرار گرفتند و راهی جز طغیان و عصیان نداشتند. این قیام ها از حرکت های کوچک مردمی آغاز و آرام آرام به یک حرکت توده ای سراسری مبدل گشت. وقتی شوروی ها تجاوز کردند و به اشغال بی چون و چرای افغانستان دست زدند، این قیام کران کران وطن ما را درنوردید و دیگر جایی نبود که در آن صدای مخالف و آتش تفنگی فریاد نشود.

این قیام ها خود جوش و مردمی بودند. هیچ نهاد سیاسی خاصی آنها را هدایت و رهبری نمی کرد. نهادهای کوچک ملی و انقلابی بی آنکه مدعی رهبری این حرکت بی لگام بوده باشند، چون افراد منفرد در آن شرکت نموده و پا به پای توده های خشمگین و به پاخاسته حرکت کردند. در حالیکه قیام های وسیع توده ای به ضد تجاوز و اشغال یا باید قبل از حرکت رهنمای عمل خود را ساخته باشند و یا اینکه در جریان عمل چنین رهنمایی ایجاد گردد. در این کشمکش رهبری قیام را یا نیروهای ملی، انقلابی و غیروابسته به دست می گیرند و یا نیروهای ضد انقلابی و

وابسته. در حالت دوم اهداف قیام کنندگان قلب ماهیت یافته و خلاف آنچه مردم می خواهند و به خاطر آن خون می دهند، به پیش می رود. نیروهای غیر وابسته در این جنگ به علت کمبود امکانات و یورش نیروهای ارتجاعی از صحنه خارج شدند و یا با سیاست های پوششی بدتر از تارکان، برصحنه ماندند و در همان سیاست های غلط پوسیدند.

تنظیم های جهادی که در امکانات غرب، آی اس آی، عرب و ایران غرق شدند و مورد حمایت امریکا قرار گرفتند، به زودی و آسانی قادر به گرفتن رهبری این حرکت وسیع شدند و چون تحویلداران پول و سلاح (در پاکستان و ایران) درآمدند و از سوی محافل غربی و ملل متحد به زودی به عنوان «رهبران» مجاهدین تبلیغ گشتند. اینان در پاکستان رسمی شدند و سکان جنگ رهبری در دست پاکستانی ها قرار داده شد تا جائیکه در کنفرانس ژنیو که تصمیم بر خروج نیروهای شوروی از افغانستان گرفته می شد، به این رهبران اجازه شرکت ندادند و پاکستان به نمایندگی از قیام مردمی که در آن دو میلیون گیلان خون اهداء کرده بودند، بر این معاهده مهر گذاشت و نشان داد که به این رهبران، امریکائی ها و پاکستانی ها ارزشی قایل نیستند. اینان هم با آرامش تمام این «نماینده» را پذیرفته و کوچکترین اعتراضی نکردند.

با نفوذ هرچه بیشتر غربی ها در جنگ افغانستان، وابستگی تنظیم ها به ایران و پاکستان بیشتر شد و روزی نبود که خود آنها و یا نمایندگان شان به درگاه «مقامات» پاکستانی سر نزنند. این وضعیت زمینه را برای ایجاد این همه شبکه های استخباراتی و وابستگی ها مساعد نمود و معلوم نیست که با این همه، چگونه می توان تنظیم ها را «آزاد» و «غیر وابسته» تعریف کرد؟